

بسم الله الرحمن الرحيم

میرزا حسن نوری

دکتر میثم علی بالائی

نام‌های دیگر: حسن نوری همدانی ،

موطن: همدان

نام پدر: میرزا ابراهیم

تاریخ وفات: 1369 شمسی

از زمانی که جامعه صادی، سی جامعه صنعتی بود، پرشد دگرگونی‌هایی در سطح باورهای علمی، فنی و نظام اجتماعی و حتی ارتباطات را به همراه آورد و درپی آن اصالتها تغییر یافت و جوامعی که از مبانی اعتقادی خود بیگانه شدند، به افکاری که ارمغان فرهنگ بیگانه بود، بسنده کردند.

در چنین شرایطی وظیفه پرچمداران دین، هدایت جامعه به معارف اسلام بوده و هست. و بی شک امروزه نیز ایجاد دگرگونی در ابعاد مختلف زندگی، معارف اجتماعی، همسوسازی جامعه با مفاهیم مکتب و هدایت توده‌ها در جهت سرچشمه‌های فضیلت خودشناسی و خودسازی؛ بدون بهره‌گیری از تجربه‌های مبارزاتی، فکری شخصیت‌های دینی و صاحبان اندیشه، ممکن نیست. لذا معرفی چهره‌های ممتاز و مبارزی چون حجة الاسلام والمسلمین نوری همدانی نشانه تقویت و تجلیل از مقام ارزشمند عالمان عامل در جامعه اسلامی است.

در این مقاله با عالمی آشنا می‌شویم که سابقه درخشان مبارزات فرهنگی، سیاسی اطلاعات وسیع او از مکتبهای سیاسی، فلسفی جهان تبحر در فقه، تاریخ «بخصوص تاریخ اسلام» ذوق سرشار ادبی و آشنایی به زمان از شایستگی‌های بارز او است.

تولد

صفحه تاریخ نیمه دوم قرن سیزده را نشان می‌داد، خفقان سیاسی عرصه را بر انسانهای آزاده تنگ کرده بود. فقر فرهنگی و اقتصادی در جامعه ایران حاکمیت داشت. بی رونقی اندیشه نسل جوان. هر دین داری را برای ایجاد طرحی نو برمی‌انگیخت در چنین روزگاری در سال 1302 ه.ق در یکی از روستاهای همدان، ستاره‌ای در خانه مرحوم میرزا ابراهیم نوری درخشید و چشمان پدر و مادر را به قدمش روشن ساخت. پدرش به پاس احترام و علاقه خاصی که به اهل بیت (ع) داشت، اسمش را حسن نهاد. و در دوران کودکی تعلیم و تربیت او را به عهده گرفت.

از تبار پاکان

میرزا ابراهیم در عصر استبداد رضاخانی می‌زیست و به سوق دادن توده‌های مسلمان به سوی معارف دینی اشتغال داشت. او تحت هیچ شرایطی سنگر دفاع از دین را ترک نکرد و چون در آن دوره عمامه علماء را برمی‌داشتند. برای مدتی و به جهت حفظ لباسش به یکی از روستاهای همدان که در دوازده فرسخی شهر به نام «پاینده» بود رفت.

از خصوصیات بارز آن عالم فرزانه موارد ذیل را می‌توان برشمرد.

1 - با وجود مشکلات سیاسی، از هدایت مردم دست برنداشت.

2 - از گرفتن و مصرف وجوه شرعیه امتناع می‌ورزید.

3 - برای امرار معاش دکانی دائر کرد و از درآمد آن هم خود استفاده می‌کرد. به دیگران کمک می‌نمود. و به این وسیله اتکای به خویشتن را نشان می‌داد. با دست‌گیری از مستمندان، سنگر مبارزه با فقر را احیاء می‌کرد. و از جانب دیگر با هجرت و به ارشاد توده‌ها، جامعه را به بیداری فکری، معنوی و سیاسی می‌رساند. و سازش ناپذیر بودن روحانیت را به یادگار می‌گذاشت.

تحصیلات

مرحوم میرزاحسن نوری همدانی در خانواده‌ای که خود اهل علم بوده و به اهل بیت علاقه داشتند، حیات علمی خود را آغاز کرد و در نوجوانی، شعله‌های عشق به تحصیل معارف دینی و علوم آل محمد (ص) سراپای وجودش را فراگرفت. دوره مقدماتی را نزد پدر آموخت و بعد از آن که برای رسیدن به مدارج علمی بالاتر، فیض شاگردی مرحوم آخوند همدانی را که بنا بدرخواست مردم علم دوست همدان و دستور شیخ عبدالکریم حائری(ره) مؤسس حوزه علمیه قم، از قم به همدان آمده و حوزه علمیه همدان را راه انداخته بود، کسب کرد. و سطوح عالی‌ه را نزد ایشان خواند. در سال 1322 ه.ش به همراه برادر کوچکترش، آیت الله میرزاحسن نوری، راهی شهر مقدس قم گردید و به تحصیل علوم دینی ادامه داد. این مرد درباره چگونگی سکونت خود در قم می‌گفت:

«هنگامی که ما به قم آمديم، در نهايت تهی دستی بوديم، مدتی روی پشت بام مدرسه حجتیه و دیگر جاها می‌خوابیدیم و

قوتمان نانهایی بود که از ده آورده بودیم. هنگامی که سفره نان را برای اولین بار باز کردیم، با مشتی نانهای کپک زده مواجه شدیم و تا مدتها کپکهای روی نانها را می سابیدیم و پاک می کردیم. تا قابل خوردن شوند(1)»

به این صورت مرحوم میرزا حسن نوری با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم کرد و همانند علمای سلف خود، در کمال زهد، قناعت و تنگ دستی علوم اسلامی را فراگرفت. به خاطر هوش سرشارش بسیار سریع پیشرفت کرد و در ردیف شخصیت های علمی حوزه علمیه قم درآمد.

در محضر فرزندان

همانطور که ذکر شد مرحوم نوری همدانی اولین بار در محضر پدر ارحمندی دوره مقدماتی را به پایان رساند، سطوح عالی را نزد مرحوم آخوند همدانی(ره) خواند در سال 1322 که وارد حوزه پرافتخار تشیع قم شد نزد اساتید بزرگ و مفاخر عالم اسلام آن روز یعنی آیات عظام؛ بروجردی(ره)، داماد(ره)، امام خمینی(ره)، علامه طباطبایی(ره) به فراگیری علم اصول، فقه، تهذیب نفس و نیز فلسفه پرداخت. و به عنوان شاگردی برجسته، در محضرشان درخشید و منزلت والایی کسب کرد.

آثار علمی

از مرحوم نوری آثار علمی با خطی زیبا باقی مانده که متأسفانه اجل فرصت نداد، تا در زمان حیاتش انتشار یابد و دانش دوستان از آثار فکری این اندیشمند بهرمنند گردند. تنها چند اثر بارزش وی چاپ شد و به یادگار ماند که به آنها اشاره می کنیم:

- 1 - مجموعه آثار: اشعار علمی، عرفانی است که به خط زیبای خود نوشته و به یادگار گذاشته است. این اثر به وسیله فرزند بزرگ آن مرحوم، شیخ علی نوری، جمع آوری و منتشر شده است.
 - 2 - پیروزی در سایه شکست: این اثر با رهنمودهای ایشان در فروردین سال 1348 پدید آمد. نویسندگان جوان انجمن اسلامی قم (ولیعصر«عج») آن را نوشتند. این کتاب با پژوهشی خاص تاریخ انقلاب خونین حسینی (ع) را به نمایش گذاشته است.
 - 3 - توضیح المسائل جیبی: فتاوی مراجع در آن جمع آوری و نظر آنها را در هر موضوعی بیان کرده است. وی فتاوی امام خمینی(ره) را با حرف (خ) مشخص نموده است. این کار در شرایطی به انجام رسیده که بردن نام امام راحل جرم بزرگ به حساب می آمد.
 - 4 - مجموعه آثار علمی - تاریخی: این آثار که به بیست جلد می رسد مجموعه سخنرانی های او است که در زمان حیاتش، آنرا تنظیم و با تعیین موضوعت و عناوین مورد بحث، برای نشر آماده کرد.
 - 5 - رجال آیت الله بروجردی(ره): نقش مرحوم نوری را در این اثر؛ از زبان فرزند وی می خوانیم:
- «این اثر تا قبل از رحلت آیت الله بروجردی(ره) به طور کامل تنظیم نشده بود. ایشان با پشتکار، ذوق هنری و علمی خویش آن را آماده انتشار کرد، زیرا مراجعه به منابع، تنظیم و تدوین آن نیاز به توان جسمی داشت. و چون سن مرحوم آیت الله بروجردی بالا بود، پدرم با همکاری تعدادی از محققان و زیر نظر آیت الله العظمی بروجردی(ره) به نوشتن آن همت گماشت. و این به دور از انصاف است که پدرم را تنها به عنوان خطاط آن اثر با ارزش معرفی کنند(2)».

مرحوم آقای نوری تمام هفت جلد آن کتاب را با ژرف اندیشی که داشت به پایان رسانید. خط زیبا، پشتکار، ذوق سلیم و اطلاعات علمی، آن مرد علم و عمل دست به دست هم داد و این کتاب بارزش را برای حوزه علمیه، به یادگار گذاشت.

فعالیت های فرهنگی و سیاسی

در سالهای هزارو سیصدو چهل و دو و قبل و بعد آن که، سلطه ننگین استبداد پهلوی بر جامعه اسلامی ایران، حکمفرما بود و مبارزه همه جانبه اسلام خواهان روز به روز گسترش می یافت، دستگاه امنیتی هر فریادی را در نطفه خفه می کرد و آزادی خواهان را به بهانه های گوناگون از سر راه برمی داشت. در چنین شرایطی مرحوم نوری در سال سی و هفت اقدام به تاسیس انجمن های اسلامی قم - مکتب ولیعصر - نمود و در دو بخش خواهران و برادران فرزندان مسلمان را در تشکلی ارزشمند به دور هم جمع کرده و به میانی دین آشنا می ساخت. در واقع آن مجموعه کانون مبارزه علیه التقاط، کفر و محل تحقق و تبیین مفاهیم دینی بود. این انجمن به صورت هفتگی و بر اساس و نظم خاص اداره می شد جوانان در این تجمع فرهنگی، سیاسی علاوه بر نیایش با دستورات دینی آشنا می شدند. در نتیجه این جلسات و شعبه های آن بود که، شور انقلابی در جامعه ایجاد می شد. قشرهای جامعه با باورهای پویا و مکتبی، وارد صحنه می گردیدند و چه بسا زندانی، تبعید و یا شهید می شدند. در همان مقطع که دست مرموز غرب و شرق از آستین التقاطی ها، بهائی ها و کمونیست ها بیرون می آمد و سبب تخدیر افکار عمومی می شد، این گونه تشکل ها و چهره های درخشان علمی، دینی، همانند مرحوم نوری با کارهای فرهنگی، انقلابی جامعه را از سرگردانی نجات می دادند.

هرچه از عمر این مجمع می گذشت؛ جوانان را بیشتر شیفته خویش می ساخت و از جانب دیگر، تهدید جدی علیه دستگاه حاکم

به حساب می آمد. ساواک که بر اساس دقت و حساسیت خود در برخورد با اسلام گرایان، با نظر سوء به این جلسه ها می نگریست، بارها در صدد تعطیلی آن برآمد و چند بار مرحوم نوری را به زندان ساواک برد و به انواع تهدیدها و شکنجه ها متوسل شد(3)، اما به رغم خواست دستگاه خودکامه، این مرکز فرهنگی، سیاسی تا سال هزارو سیصدو پنجاه و پنج شمسی به فعالیت ادامه داد و پس از هیجده سال نورافشانی و هدایت فکری، به وسیله ساواک تعطیل شد.

سفیر انقلاب اسلامی

مرحوم نوری پس از تعطیل شدن انجمن اسلامی ولیعصر(عج) بی آنکه احساس یأس و شکست کند، به کارهای تبلیغی دیگر مشغول گردید و با شیوه جدید به میدان مبارزه فرهنگی وارد شد. در سال پنجاه و نه بر اساس فرمان امام خمینی(ره) برای، تبلیغ و هدایت نیروهای مسلمان ساکن انگلستان، به آنجا اعزام شد و به راهنمایی اسلام دوستان (دانشجو و غیر دانشجو) پرداخت. این شخصیت دینی - سیاسی در شرایطی به اروپا وارد شد که جو سیاسی - فرهنگی آن جا علیه انقلاب ایران و اسلام سامان داده شده بود. و امپریالیزم خبری نیز سعی می کرد، چهره انقلاب، انقلابیون به ویژه امام خمینی(ره) را در انظار جهانیان مخدوش سازد.

وی پس از ورود به انگلستان و ابلاغ پیام رهبر انقلاب اسلامی، به سازماندهی فکری - سیاسی نیروها پرداخت و محل زندگی و کار او، محفل اجتماع و برنامه ریزی برای پویاسازی اندیشه جوانان شد. ازجمله فعالیت ها در همان سال برنامه اعتصاب در مقابل سفارت آمریکا در انگلیس بود که در روز اعتصاب و به هنگام فرارسیدن وقت نماز، اقامه نماز جماعتی که به امامت ایشان، در وسط خیابان لندن و با اجتماع باشکوه مسلمین، در برابر چشمان حیرت زده دولت و ملت انگلیس، برپا شد؛ عظمت و اقتدار مسلمانان را به نمایش گذاشتند.

چراغ هدایت

خطا به یک هنر و فن است و می تواند اثر اجتماعی خاصی داشته باشد. اندیشه و فکر را در سطح جامعه تقویت کند، اسلام در طول حیات پُربارش، خطبای بسیار زبردستی را پرورش داده که با قدرت بیان و فصاحت کلام آنها دین پیشرفت چشمگیری کرده است امام خمینی(ره) درباره آنان می فرمود:

«آقایان روحانیون و خصوص اهل منبر و خطباء، اینها سخنگوی اسلام هستند(4)، خطبه های حماسی، اجتماعی امام علی (ع) غیرت ها را به جوش می آورد و خطبه های حماسی امام حسین (ع) نیز از همان روح بلند برخوردار بود.

خطیب هنرمند، با تبحری که دارد، سعی می کند کلماتی را به زبان آورد که شنوندگان را تحت تأثیر قرار بدهد و مرحوم نوری همدانی این خصیصه را داشت، کاملاً از نقش عاطفی و روانی واژه ها آگاه بود و سخنانش به شنوندگان تحرک می بخشید.

در دوران ستم شاهی با سخنان شیوا، و پرتحرک، خود جانهای خفته را بیدار ساخت و به آنها شخصیت دینی، اخلاقی و کرامت انسانی بخشید. مردم را با سیره معصومین به خوبی آشنا ساخت و نقش خود را در رشد جامعه به طور احسن به انجام رساند. این خطیب توانا، مطالب را زیبا و دقیق به اذهان شنوندگان انتقال می داد. بطور منظم سخن می گفت و از پراکنده گویی پرهیز داشت. سخنانش خسته کننده نبود و با حفظ سیر منطقی آن به اعماق دلها نفوذ می کرد. بیشتر به بحث های تاریخی، اخلاقی اهتمام می ورزید و با ژرف اندیشی، الگوهای تاریخی را به شنوندگان ارائه می نمود.

شاعری توانا

مرحوم نوری با ذوق و قریحه سرشار خود شاگردان ادب و معانی را به شور و نشاط می آورد. و در قصیده های زیبایش حقیقت را در قالب شعر بیان می کرد از آهنگ اشعارش صدها دل و ذوق مجذوب می شدند و با نکات مملو از کنایه و استعاره افکار بلند و وارستگی خود را به نمایش می گذاشت. اشعار او کانون عشق، پیکار و گرایش به دین و حق پرستی بود و خود که همواره برای حفظ ارزشهای مقدس در تلاش بود، با ابزار مختلف جامعه را روشنی می داد و در قالب شعر به تغذیه فکری جامعه می پرداخت. و با شعر انتقادی اوضاع اسفبار عصر خود را به تصویر می کشید:

هر چه زیبا دید این گردون دون

کرد او را در جهان خوار و زبون

هر که با گفتار حق مأنوس شد

عاقبت اندر قفس محبوس شد

هر کسی زشت است و عییش بیشمار

احترامش می کند این روزگار

«نور یا» لب بند خاموش از سخن

ورنه چون طوطی شوی غرق میَحَن (5)

از نظر مرحوم نوری جهان بر عشق استوار است، در عرفان اسلامی خداوند حرکت حُبی دارد و می خواهد صفات و اسماء خویش را در آئینه طبیعت ظاهر سازد:

عشق مجازی مطلب ای عزیز

که عاقبت از روی تو ریزد تمیز

عشق گل و مُل مکن از خود پدید

عشق بر آن بند که گل آفرید

هر چه به دنیا همه فانی بود

عشق بر آن بند که باقی بود (6)

در اشعار خود که، بر خواسته از عمق دینداری و درد اجتماع است و عصاره ایده نولوژی اش را می فهماند، اقیانوس بیکران عشق و عرفان را به نمایش می گذارد و می گوید:

هنوز لاله رخان در میان بستانند

به ناز رهن دینند و خصم ایمانند

بسوز عاشق بیدل که سالکان طریق

به سوز و ساز توان داد عشق بستانند

ملامتم منما گر به دوست مأنوسم

که شاکران درش هم عنان کیوانند

به شهر عشق بیا و ببین که دلشدگان

امیر گردش چشم سیاه مستانند

دلی که مهر ندارد درخت بی ثمر است

بتی که نیست وفایش به هیچ نستانند

گرفتم آنکه از من برگرفتی و رفتی

بترس از آن که ز دست تو نیز بستانند

مها به عاشق دلدادۀ ناز کن و وفا

که خلق قیمت وصل تو را نمی دانند

بیا و بر سر خاک من ای پَری، بنشین

که کشتگان من بی وفا مسلمانند

بیا به خانه بدوشان مده دل ای «نوری»

که این گروه جفا پیشه سُست پیمانند(7)

هنرمند خوشنویس

این دانشمند محترم از هنر خوشنویسی نیز برخوردار بود و نمونه ای از خط زیبایش قدرت و ظرافت انگشتانش را بیان می کند. او با ذوق سرشار هنر دوستان را مجذوب خویش می سازد، و همچون ستاره ای در آسمان هنر می درخشد.

ویژگیهای اخلاقی

برای نسل های پس از خود، او الگوی علم دوستی و اخلاص در عرصه عمل، بود. در هیچ شرایطی اصول اخلاقی را نادیده نمی گرفت. با وقار سخن می گفت. در رفاقت ایثار داشت. استعداد و آمادگی ذهنی خوبی داشت. پشتکارش عالی بود(8). در تواضع و اخلاص با مردم کم نظیر بود. در برخوردهای اجتماعی کمال فروتنی و اخلاص را مراعات می کرد؛ وقتی که از کنار مغازه ها می گذشت و یا با فردی برخورد می کرد. با آنها دوستانه صحبت می کرد و به درد دل آنها گوش می داد(9). سیدمحمد سجادی دامغانی چنین نقل می کند: در یکی از جلسات فن خطابه مرحوم نوری به یکی از طلابی که جزء شاگردانش بود، گفت: اگر از کتابهایی که برای شما معرفی کردم، استفاده می کردید، صحبت شما سودمندتر بود. آن طلبه خیلی ناراحت شد و عکس العمل تُندی از خود نشان داد. استاد نوری از جا بلند شد و بسیار متواضعانه صورت آن طلبه را بوسید و گفت: منظور بدی نداشتم.

عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بود و هر زمان که اسم اهل بیت (ع) را می شنید و یا خود از آنها یاد می کرد، آثار غم و اندوه در چهره اش ظاهر می شد.

در هنگام مطالعه و با زمانی که در کنارش کتابی بود، پایش را دراز نمی کرد تا به کتاب بی احترامی نشود. هرگز از سواد دیگران سؤال نکرد و این کار را نمی پسندید(10).

نظم در زندگی فردی و اجتماعی از امتیازات ایشان بود. در منبر رفتن، مطالعه، مصاحبت با دوستان و خانواده آن را رعایت می کرد.

در بحث های شرعی توجه زیاد به (احتیاط به شبهه) داشت. در مورد مسائل شرعی زود اظهار نظر نمی کرد. تا سخنی نابجا نگفته باشد(11).

به تربیت و تزکیه اعضای خانواده، قبل از پرداختن به امور اجتماعی، اهمیت خاصی قائل بود.

ساده زیستی از ویژگیهای بارز این مرد بزرگ بود. و از هرگونه وابسته شدن به تجملات مادی دوری می کرد.

آثار اجتماعی و فرهنگی

تأسیس مجمع فرهنگی، مکتب ولیعصر و کانون مهدیه، از کارهای مفید این شخصیت بزرگ بود. این کانون فرهنگی سرچشمه فعالیت نیروهای انقلابی بود و بعدها شاگردان آن در رأس تشکیلات فرهنگی و سیاسی کشور قرار گرفتند و در پیروزی انقلاب سهم داشتند.

این مرد فرزانه با دائر کردن کلاسهای اخلاق، سیاسی و تزریق اندیشه اسلامی به جوانان، آنان را برای رسیدن به قله های شرف و عزت انقلاب اسلامی راهنمایی کرد.

سخنی چند درباره انجمنهای اسلامی قم

«مکتب ولی عصر(عج) و کانون مهدیه» دو شاخه فرعی از «انجمنهای اسلامی قم» می باشد که هر دو بوسیله یک «شورا» و «یک هیئت مدیره ی» واحد و زیر نظر راهنمای معنوی جناب آقای حسن نوری اداره می شدند.

مکتب ولی عصر(عج) شبهای جمعه برای دانش آموزان دوره دوم متوسطه ببالا و کانون مهدیه در صبحهای جمعه برای دانش آموزان دوره اول متوسطه و ابتدائی، جلسات خود را تشکیل میدهند.

خاطره از لندن

سیدمحمد سجادی دامغانی می گوید:

«استاد در یکی از جلسات فن خطابه فرمود: از طرف آیت الله العظمی گلپایگانی به انگلستان رفته بودم و محل اقامتم هتلی در لندن بود.

شب بعد از اداء فریضه و صرف شام، از مسئول هتل (که مردی مسیحی بود) کتابی برای مطالعه خواستم. مسئول هتل به من گفت، اگر بخواهی کتابی برایت می آورم که هر قدر مطالعه کنی، خسته نشوی. او رفت و ترجمه قرآن مجید را برایم آورد.»

جایگاه در بیت آیت الله بروجردی

مرحوم نوری در بیت آیت الله العظمی بروجردی(ره) جایگاه خاصی داشت و از حضورش در مراحل آماده سازی کتاب ارزشمند رجال می توان به این جایگاه پی برد، خود آن مرحوم می گفت:

«هر صبح آیت الله بروجردی(ره) مرا دعا می کرد که خدا تو را خیر دهد، روزی به خاطر کهنه بودن عبايم، عباي خود را از دوش گرفتم و به من هدیه فرمود. پس از وفات آیت الله بروجردی(ره) شبی ایشان را در خواب دیدم که من زیر بغلش را گرفته بودم و ایشان راه می رفتند(12).»

دوستان نزدیک

دوستانی که بیشتر از همه در دوره تحصیلات و حیات اجتماعی با ایشان هم صحبت و همنشین بوده اند می توان به آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله مصباح یزدی، علامه سیدمحمدحسین طهرانی و حجة الاسلام والمسلمین آقای بهجتی و حجة الاسلام موسوی شاهرودی اشاره کرد.

تعداد فرزندان

از مرحوم میرزا حسن نوری همدانی هشت فرزند باقی ماند. چهار پسر به نامهای حجة الاسلام شیخ علی نوری (فرزند بزرگ، روحانی و مهندس)، محمدصادق، محمد مهدی، محمدجواد، احمد و سه دختر.

عروج ملکوتی

این مرد خردمند پس از نوشتن کتاب رجال آیت الله العظمی بروجردی در اواسط اسفندماه سال 1369 (قبل از ماه مبارک رمضان) در منطقه ای بین یزد و کرمان به هنگام سفر تبلیغی که به سیرجان عازم بودند بر اثر تصادف در سن شصت و هفت سالگی، جان به جان آفرین تسلیم کرد و بازماندگان و علم دوستان را در سوگ فقدان خویش نشاند.

جنازه اش را یاران صدیق و شاگردان باوفایش، بر دوش کشیدند، با اشک روان و دل سوخته، از مسجد امام حسن (ع) تا آرامگاه ابدی، جوار قبر دختر امام موسی بن جعفر (ع) حضرت معصومه (س) مقبره سوم صحن مطهر تشییع کرده و پس از اقامه نماز به خاک سپردند.

«پی نوشتها»

1 - مجموعه آثار میرزا حسن نوری(ره)، ص 4.

2 - مصاحبه با علی نوری، فرزند مرحوم.

3 - مجموعه آثار، میرزا حسن نوری(ره)، ص 6 و 7.

4 - صحیفه نور، ج 2، ص 12.

5 - مجموعه آثار، ص 149.

6 - همان، ص 135.

7 - همان، ص 21.

8 - مصاحبه با آیت الله مسعودی، تولیت آستانه مقدسه قم.

9 - مصاحبه با محمدصادق نوری.

10 - همان.

11 - مصاحبه با علی نوری.

12 - شاید جریان خواب دیدن آیت الله العظمی بروجردی(ره) مربوط به آماده سازی کتاب رجال باشد که پس از رحلت ایشان، با پشتکار مرحوم نوری پایان پذیرفت.